

## بیکربندی و اعتباریابی الگوی روانی اجتماعی هویت نوجوانان پسر ایرانی:

### یک مطالعه روایتی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۸/۳۰  
یوسف جلالی<sup>۱\*</sup>، حسین اسکندری<sup>۲</sup>، احمد برجلی<sup>۳</sup>، فرامرز سهرابی<sup>۴</sup>  
محمد عسگری<sup>۵</sup>

### مقاله پژوهشی

### چکیده

**مقدمه:** شواهد بیشماری حاکی از تغییرات رفتاری اساسی در نوجوانان ایرانی است. به احتمال زیاد بتوان این تغییرات را به مسائل هویتی آنان نسبت داد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اعتباریابی الگوی روانی اجتماعی هویت نوجوانان ایرانی و تعیین رابطه احتمالی آن با تغییرات رفتاری آنان انجام شد.

**روش:** این پژوهش از لحاظ رویکرد آمیخته بود. در مرحله کیفی از روش روایت پژوهی و در مرحله کمی از روش همبستگی استفاده شد. در بخش کیفی، جامعه آماری پژوهش نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله بعلاوه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. ۱۹ نفر از نوجوانان با نمونه‌گیری داوطلبانه با ۶ نفر از متخصصان با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری پژوهش نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود که از بین آن‌ها ۲۱۸ نفر با نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه داستان زندگی مک‌آدامز (۱۹۹۵) و در بخش کمی به وسیله پرسشنامه محقق‌ساخته صورت پذیرفت. جهت تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا و در بخش کمی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج تحلیل محتوا بعلاوه تحلیل عاملی نشان داد که مدل کلان روایت نوجوانان شامل مؤلفه‌هایی چون تعلق به خانواده، پایداری به ارزش‌های دینی و اطاعت از والدین است و مدل ضد روایت نیز مؤلفه‌هایی چون سبک زندگی اختیاری، حس منحصر به فرد بودن، استقلال خواهی و رقابت جویی را در بردارد.

**نتیجه‌گیری:** می‌توان تغییرات رفتاری نوجوانان پسر ایرانی را به دو عامل عمده نسبت داد: ۱- تضاد میان برخی مؤلفه‌های ضد روایت و کلان روایت آن‌ها ۲- وضعیت نسبتاً افراطی برخی مؤلفه‌های روایت‌های آن‌ها.

**کلمات کلیدی:** روایت پژوهی، ضد روایت، کلان روایت، نوجوان، هویت روایتی

۱. دکترای تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول یوسف جلالی است.

\* نویسنده مسئول: [yousefjalali@gmail.com](mailto:yousefjalali@gmail.com)

۲. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۴. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۵. دانشیار، گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران



## ***The configuration and validation of psychosocial model of identity of Iranian male adolescents: A narrative study***

***Yousef Jalali<sup>1</sup>, Hossein Eskandari<sup>2</sup>, Ahmad Borjali<sup>3</sup>  
Faramarz Sohrabi<sup>4</sup>, Mohammad Asgari<sup>5</sup>***

***Original Article***

### ***Abstract***

***Introduction:*** There is numerous evidence showing the fundamental behavioral changes in Iranian adolescents. These changes can probably be attributed to their identity issues. The aim of this study was to identify and validate the psychosocial model of Iranian adolescents' identity and determine its probable relationship with their behavioral changes.

***Method:*** The approach of this study was mixed. The narrative research was used in the qualitative phase and the correlation method was used in the quantitative phase. In the qualitative phase, the population consisted of male adolescents aged 15-20 years old, as well as psychologists and sociologists in Tehran in 2020. Nineteen adolescents were selected by volunteer sampling and six specialists by purposive sampling. In the quantitative phase, the population consisted of adolescents aged 15-20 years old in Tehran in 2020, from which 218 people were selected by volunteer sampling. In the qualitative phase, data were collected through the life story interview (McAdams, 1995) and in the quantitative phase by a researcher-made questionnaire. In the qualitative phase, data were analyzed through the content analysis method and in the quantitative phase through the confirmatory factor analysis.

***Findings:*** The results of content analysis as well as factor analysis indicated the master-narrative model of adolescents includes components such as family belonging, adherence to religious values and obedience to parents, and the counter-narrative model includes the voluntary lifestyle, sense of uniqueness, independence-seeking and competitiveness.

***Conclusion:*** behavioral changes of Iranian male adolescents can be attributed to two main factors: 1- Conflict between some components of their counter-narrative and master-narrative 2- The relatively extreme status of some components of their narratives.

***Keywords:*** narrative research, counter-narrative, master-narrative, adolescent, narrative identity

---

1. PhD in psychology, department of psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

\*corresponding author :Email: yousefjalali1@gmail.com

2. Professor, department of psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3. Professor, department of psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

4. Professor, department of psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

5. Associate professor, department of assessment & measurement, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

## مقدمه

به اعتقاد اریکسون یافتن هویت، تکلیف اصلی دوره نوجوانی است و منظور از آن، یک سازه روانی- اجتماعی است که از برداشت فرد از خود، از ارزش‌هایی که از جانب دیگران دریافت می‌کند و از همانندسازی با دیگران تشکیل می‌شود (اریکسون، ۱۹۸۰). از نظر وی، برای نوجوانان یک احساس یکپارچه و پایدار از هویت اغلب با اعتماد به نفس بالا و اهداف روشن در زندگی همراه است و از سوی دیگر یک احساس ناپایدار از هویت با احساس اضطراب، آشفتگی، سردرگمی و رفتارهای بزهکارانه همراه است (لویکس، شوارتز، گوسنس، بیرز و میسونتن، ۲۰۱۹). در همین راستا، نتایج پژوهش‌های داخلی نیز (ازجمله کاظمی خوبان، ۱۳۹۵؛ کلانتری، نشاط دوست، عریضی و باپیری، ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که شکلگیری هویت تأثیر معناداری بر مسئولیت‌پذیری و وجود معنا در زندگی نوجوانان دارد.

شواهد بسیاری حاکی از تغییرات رفتاری اساسی در نوجوانان ایرانی بعلاوه میزان قابل توجه آسیب‌های روانی و اجتماعی در آن‌ها است. مثلاً، نتایج پژوهش مرزبان (۱۳۹۷) حاکی از شیوع بالای رفتارهای پرخطر ازجمله درگیری فیزیکی در داخل و خارج از مدرسه، حمل سلاح سرد به مدرسه، مصرف سیگار در مدرسه، مصرف قلیان، مشروبات الکلی و مواد مخدر در نوجوانان شهر قم است. نتایج پژوهش صفی‌الحسینی، ساکی، حامدی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دهنده شیوع نسبتاً بالای افسردگی در نوجوانان دختر شهر بجنورد است. یافته‌های پژوهش حیدری زاده، فرج‌اللهی و اسماعیلی (۱۳۹۶) حاکی از شیوع ۱۸/۸ درصدی اختلال اضطراب اجتماعی در نوجوانان شهر کرمانشاه است. عطادخت، حمیدی‌فر و محمدی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی بر روی نوجوانان شهر خلخال، میزان استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه را در آنان بیش از ۸۷ درصد برآورد کردند. با توجه به اهمیت بالای مسئله هویت در دوره نوجوانی، به احتمال زیاد بتوان این تغییرات اساسی در رفتار نوجوانان ایرانی و شیوع چشمگیر آسیب‌های روانی و اجتماعی در آنان را به مسائل هویتی نسبت داد. با این حال، در خصوص هویت نسل فعلی نوجوانان ایرانی و ماهیت آن هیچ‌گونه دانش علمی و مستندی وجود ندارد و دستیابی به درک و بینش در این زمینه نیازمند تحقیقات ژرف و همه‌جانبه است. به اعتقاد برخی پژوهشگران، روایت پژوهی<sup>۱</sup> بهترین روش موجود برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به فرایند رشد هویت است (مک لین و پاسیویاتی، ۲۰۱۹). روان‌شناسان روایتی<sup>۲</sup> به تبعیت از نظریه مک‌آدامز<sup>۳</sup> که خود اقتباسی از نظریه هویت اریکسون است، بر این باورند که هویت مترادف است با داستان زندگی روبرشد خودساخته افراد؛ و اینکه هویت خود را در داستان‌های زندگی و در قالب پیکربندی طرح، شخصیت، تنظیمات، صحنه و درون‌مایه

1. Narrative research
2. Narrative psychologist
3. McAdams, D. P.

آشکار می‌سازد. به عبارتی، قالب‌بندی<sup>۱</sup> داستان‌هایی که افراد می‌گویند، حقایق مهمی در مورد هویت شخصی آنان آشکار می‌سازد (سید<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که هویت ماهیتی روایتی دارد. مک‌آدامز و مک‌لین (۲۰۱۳) هویت روایتی<sup>۳</sup> را داستان زندگی درونی‌شده و در حال رشد فرد می‌دانند که گذشته بازسازی شده و آینده متصور فرد را ادغام و یکپارچه نموده تا به زندگی مقداری وحدت و هدفمندی ببخشد (سید، ۲۰۱۵). از طریق هویت روایتی، افراد به خودشان و دیگران می‌فهمانند که در حال حاضر چه کسی هستند، چگونه به اینجا رسیده‌اند و زندگی‌شان در آینده رهسپار کجا خواهد بود (مک‌آدامز و مک‌لین، ۲۰۱۳). نکته‌ای که حائز اهمیت فراوان است آن است که افراد روایت‌ها را در انزوا نمی‌سازند. به این معنا که ما دائماً داستان‌های زندگی خود را با دیگران در میان می‌گذاریم. در واقع، اگرچه شکل‌گیری "خود فهمی"<sup>۴</sup> از طریق داستان زندگی، تحت تأثیر شرایط روانی مانند صفات شخصیتی قرار دارد، اما تحت تأثیر دنیای اجتماعی و فرهنگی که فرد در آن هست نیز قرار می‌گیرد (وانگ، ۲۰۱۶). با به اشتراک گذاشتن روایت‌های شخصی با دیگران که تلویحاتی نیز برای هویت دارد، افراد می‌توانند از طریق سنجش واکنش‌های دیگران، انواع هویت‌ها را امتحان کنند (ثورن، ۲۰۲۰). به عبارتی، روایت‌های خودگفته‌مان را که ما را می‌سازند و بازسازی می‌کنند، از اجتماع و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌گیریم. چراکه معنا نمی‌تواند مستقل از زندگی اجتماعی وجود داشته باشد و قابلیت انسان برای ایجاد معنا و نسبت دادن آن به وقایع و تجارب اجتماعی به تعامل اجتماعی نیاز دارد. در همین راستا، وایت معتقد است هیچ داستانی وجود ندارد که از دنیای اجتماعی، مستقل باشد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که روایت زندگی فرد یا به عبارتی هویت روایتی او از ساختاری روانی اجتماعی برخوردار است. یعنی در عین حال که ساختن هویت مسلماً یک تلاش شخصی محسوب می‌شود، همچنین فعالیتی است که به پاسخ دیگران نیز وابسته است یا به عبارتی متناسب با پاسخ دیگران است (براون و آگوستا-اسکات، ۲۰۱۷).

قابلیت ساخت روایت‌ها برای شکل‌دهی هویت ابتدا در دوره نوجوانی ظهور می‌یابد. به عبارتی، این قابلیت در طول تقلاهای نوجوان برای تشکیل هویت آغاز می‌شود (هابرماس و بلاک، ۲۰۰۰). علاوه بر این، هرچند داستان زندگی پدیده‌ای فردی می‌نماید اما چنین به نظر می‌رسد که فرهنگ‌های مختلف فهرست‌های متفاوتی از تصاویر، طرح‌ها، درون‌مایه‌ها و موضوعات برای ساخت هویت روایتی عرضه می‌دارند و افراد هر یک از این فرهنگ‌ها این شکل‌های روایتی را برای داستان‌گویی‌های خود برمی‌گزینند، حفظ می‌کنند و تغییر می‌دهند. روایتگران حتی از دوران کودکی از میان این فهرست، شکل‌های داستانی را که به خوبی تجربه شخصی آنان را در برمی-

- 
1. format
  2. Syed, M.
  3. Narrative identity
  4. self-understanding

گیرد، گزینش می‌کنند (مک آدامز و مک لین، ۲۰۱۳). پژوهشگران این فهرست را کلان روایت<sup>۱</sup> می‌نامند (مثلاً، همک و کوهلر، ۲۰۱۹؛ مک لین و سید، ۲۰۱۶). کلان روایت‌ها به عنوان "نقشه-های اصلی"<sup>۲</sup>، راهنماهای کلی<sup>۳</sup>، گفتمان‌های غالب<sup>۴</sup>، خطوط داستانی<sup>۵</sup> یا متون فرهنگی<sup>۶</sup> توصیف می‌شوند (بامبرگ، ۲۰۲۰). در واقع، کلان روایت‌ها داستان‌های مشترک فرهنگی هستند که در باب فرهنگ یک جامعه توضیح می‌دهند. آن‌ها بخشی از ساختار جامعه‌اند که افراد را در مسیر خوب بودن و خوب زندگی کردن در جامعه هدایت می‌کنند. بر این اساس، می‌توان گفت روایت افراد از خود، در یک بافت فرهنگی شکل می‌گیرد؛ یعنی آنچه افراد در دوره‌های مختلف زندگی به خاطر می‌آورند یا تعریفی که از خویشتن ارائه می‌دهند، تحت تأثیر ارزش‌ها و انتظارات فرهنگ فرد از آن دوره زندگی است. مثلاً، به نظر می‌رسد روایت‌های شخصی افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا با فرهنگ‌های فردگرا متفاوت است. در فرهنگ‌های فردگرا، عملکرد روایت‌ها بیشتر بر فردیت، یگانگی، استقلال و ابراز خود متمرکز است و در فرهنگ‌های جمع‌گرا، بیشتر بیانگر هم‌رنگی، اطاعت، تعلقات گروهی و پاسداشت ارزش‌های جمعی است (مک لین، شوکارد و سید، ۲۰۱۶). مفهوم مهم دیگری که به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت روایتی مطرح می‌شود، ضد روایت یا روایت جایگزین<sup>۷</sup> است. ضد روایت‌ها، روایت‌های شخصی مهمی‌اند که برهم زنده گفتمان مسلط یا متون غالب (کلان روایت‌ها) هستند (دنزین، ۲۰۱۵؛ لایل، ۲۰۱۶). به طور گسترده، اصطلاح "ضد روایت" به روایتی اشاره دارد که به واسطه ارتباط با یک یا چند روایت دیگر معنا می‌یابد. در عین حال که این رابطه لزوماً یک رابطه متضاد نیست، شامل یک موضع‌گیری نسبت به برخی از روایت‌های دیگر است. همانطور که بامبرگ و اندروز (۲۰۱۴) توضیح داده‌اند، "ضد روایت‌ها فقط در رابطه با چیز دیگری معنا پیدا می‌کنند، چیزی که در تقابل با آن قرار می‌گیرند" (بامبرگ و اندروز، ۲۰۱۴). به طور کلی، موضع‌دار بودن ضد روایت‌ها، به عنوان ابزاری جهت مخالفت یا مقاومت در برابر روایت‌های کلان فرهنگی و اجتماعی (مثلاً درباره جنسیت، تمایلات جنسی، قومیت، حرفه و ...) قلمداد شده است که غالباً هنجاری یا سرکوبگرانه هستند و یا دیدگاه‌ها و تجارب متفاوت با آنچه از طریق خودشان منتقل می‌شود را کنار می‌گذارند. در این معنا، ضد روایت‌ها در موضع‌گیری راویان داستان در برابر مضامین و ایدئولوژی‌های روایت‌های کلان و یا مورد انتقاد قرار دادن آن‌ها، ایفای نقش می‌کنند. در همین راستا، "ضد روایت‌ها" به داستان‌هایی اشاره دارند که مردم می‌گویند و زندگی می‌کنند و شامل مقاومت (خواه علنی خواه ضمنی) در برابر

1. Master-narrative
2. plotlines
3. master-plots
4. dominant discourses
5. story lines
6. cultural texts
7. counter-narrative

روایت‌های فرهنگی غالب (کلان روایت‌ها) می‌باشند (اندروز، ۲۰۱۴؛ لاندهلوت، ماگارد و پیکوت، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، ضد روایت‌ها آن دسته تجارب فردی یا جمعی را آشکار می‌سازند که روایت‌های کلان، آن‌ها را سرکوب می‌کنند، خاموش می‌نمایند و یا کنار می‌گذارند. آن‌ها نیاز به داستان‌هایی را که با تجارب شخصی فرد از خویش مطابقت داشته باشد، برآورده می‌کنند، به ویژه داستان‌هایی که با کلان روایت‌های تحمیل شده اجتماعی، همخوان نباشند (لاندهلوت و همکاران، ۲۰۱۸).

با توجه به مفهوم کلان روایت و ضد روایت، احتمالاً بتوان زیربنای مسائل هویتی دخیل در تغییرات رفتاری نوجوانان ایرانی را به تحولات فرهنگی - اجتماعی چشمگیر جامعه ایران منسوب کرد. تحولاتی که موجب پدیدآیی ضد روایت‌ها یا روایت‌هایی جایگزین برای کلان روایت‌ها شده اند. در همین راستا شواهد بسیاری نشان می‌دهد که نوسازی فرهنگی و آموزشی در جامعه ایرانی صورت گرفته است. میزان افراد باسواد در مقایسه با گذشته بیشتر شده است. مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی جدید دایر شده و افراد بسیاری در آن مؤسسات مشغول به کار شده‌اند. به عبارتی، جامعه ایرانی در جریان تجربه نمودن تغییرات متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد و دچار نوعی دوگانگی ساختاری - بین ساختار سنتی و مدرن - شده است. این دوگانگی در سطوح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سازمانی نمودار شده است (آزاد ارمکی و اکبری، ۱۳۹۱). در واقع، شواهد و قرائن روزافزون حاکی از گذار جامعه ایران از حالت سنتی به حالت مدرن و از کاراکتر جمع‌گرا به کاراکتر فردگرا است. مثلاً، یافته‌های پژوهش آزاد ارمکی و اکبری (۱۳۹۱) بر روی نمونه‌ای از جوانان ایرانی نشان می‌دهد که ترجیحات و گرایش‌های مدرن در بین آن‌ها به طرز چشمگیری در حال شکل‌گیری و تثبیت است. طبعاً این گذار توأم با تغییر بسیاری از اصول، ارزش‌ها و هنجارها است. به عبارتی، این تغییرات بنیادین شرایطی را به وجود می‌آورد که عادات، سنت‌ها، هنجارها و به طور کلی قواعد عمومی زندگی اجتماعی که از قدیم در جامعه وجود داشته است، به چالش کشیده شود و موجب آن می‌شود که افراد، خودخواسته و اندیشمندانه به بازاندیشی و بازسازی قواعد و اصول زندگی خود در شرایط جدیدی که با دوران گذشته تفاوت‌هایی چشمگیر دارد، بپردازند (آزاد ارمکی و اکبری، ۱۳۹۱). گزاره اخیر را می‌توان اینگونه ترجمه کرد که گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، توأم با تغییر روایت‌ها یا به عبارتی، به چالش کشیدن کلان روایت‌ها و ظهور ضد روایت‌ها در افراد جامعه است. با توجه به اهمیتی که کلان روایت و ضد روایت در ساختار هویتی، تغییرات رفتاری و آسیب‌شناسی نوجوانان ایفا می‌کند، واکاوی آن در نوجوانان ایرانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چراکه این امر به بهبود درک و شناخت نسبت به رفتارهای نوجوانان، تعامل مؤثرتر با آنان و طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب برای آنان کمک شایانی خواهد نمود. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال بود که الگوی روانی

اجتماعی هویت نوجوانان ایرانی یا به عبارتی الگوی کلان روایت و ضد روایت هویت آنان چگونه است؟

## روشی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ رویکرد آمیخته است که ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی می‌باشد. در مرحله کیفی از روش روایت پژوهی بهره می‌برد که رویکردی استقرایی و اکتشافی است و در مرحله کمی نیز از روش همبستگی چندمتغیری از نوع تحلیل عاملی تأییدی استفاده می‌کند. در بخش کیفی، جامعه آماری را نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله بعلاوه متخصصان شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل می‌دادند که نوجوانان با استفاده از نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند و نمونه‌گیری از آنان تا زمان رسیدن به اشباع نظری (۱۹ نفر) ادامه یافت. نمونه‌گیری نیز از طریق انتشار فراخوان در شبکه‌های اجتماعی چون اینستاگرام، تلگرام، شاد، بله، لینکدین، واتساپ و غیره صورت گرفت. از میان متخصصان نیز ۶ نفر با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. منظور از متخصصان افراد دارای حداقل مدرک دکترا در یکی از گرایش‌های روان‌شناسی بعلاوه جامعه‌شناسان دارای حداقل مدرک دکترا در دانشگاه‌های شهر تهران بود. در بخش کمی نیز جامعه آماری را پسران ۱۵ تا ۲۰ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل می‌دادند که از بین آن‌ها ۲۱۸ نفر با استفاده از نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. در مرحله کیفی، ابزار پژوهش مصاحبه بود. مصاحبه با هر شرکت‌کننده نیز طی یک الی دو جلسه صورت گرفت و زمان مصاحبه با هر فرد بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه طول کشید. در مرحله کمی پژوهش نیز بر اساس نتایج مصاحبه و الگوی مستخرج از آن پرسشنامه‌ای ساخته شد که با اجرای آن بر روی نمونه‌ای شامل ۲۱۸ نفر به اعتبارسنجی الگوی مزبور پرداخته شد. به بیان دیگر، بعد از استخراج الگوی کلان روایت و ضد روایت شرکت‌کنندگان از طریق تحلیل محتوای روایت‌ها، از گروه کانونی شامل ۶ نفر (۳ روان‌شناس و ۳ جامعه‌شناس) استفاده شد تا اعتبار درونی الگو سنجیده شود. سپس برای سنجش اعتبار بیرونی الگو پرسشنامه‌ای ساخته شد و بر روی نمونه‌ای به حجم ۲۱۸ نفر اجرا گردید. در پژوهش حاضر به دلیل به‌کارگیری طرح آمیخته، از روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی و کمی بر حسب نیازهای پژوهشی استفاده شد. در بخش کیفی از طریق تحلیل محتوای روایت‌های زندگی شرکت‌کنندگان با استفاده از بازگویی داستان‌ها و ایجاد مضامین، الگو و محتوای کلان روایت و ضد روایت آن‌ها استخراج گردید. در بخش کمی نیز بعد از ساختن پرسشنامه و بررسی روایی محتوای آن با استناد به نظرات متخصصان مربوطه (۵ نفر) و نهایتاً اجرای پرسشنامه مزبور، به بررسی برازش الگوهای مستخرج از طریق روش تحلیل عاملی تأییدی پرداخته شد. لازم به ذکر است که تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه ۸/۸۰ نرم افزار لیزرل صورت گرفت.

## ابزارهای پژوهش

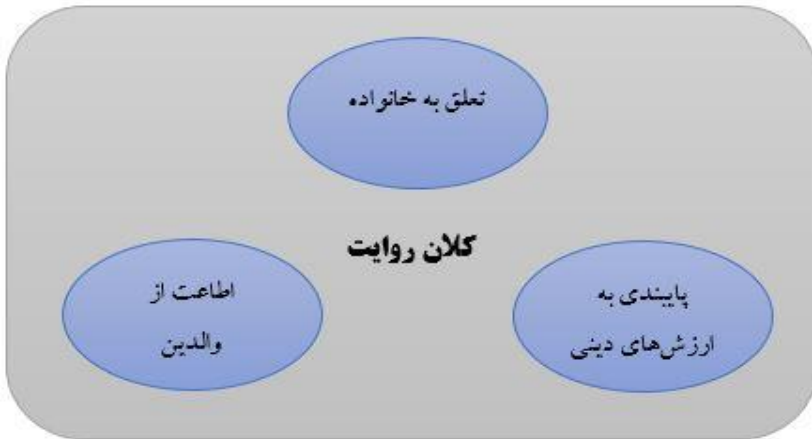
**مصاحبه داستان زندگی مک آدامز:** مک آدامز (۱۹۹۵) به منظور دستیابی به تفاوت افراد و درک آن‌ها از زندگی‌شان مصاحبه ای تدوین نمود. در این مصاحبه از افراد خواسته می‌شود که نقش داستان گویی را بازی کنند که داستان زندگی خودش را می‌گوید. مصاحبه به چند بخش تقسیم می‌شود. بخش‌های مقدماتی به جستجوی فصل‌های کلی زندگی افراد می‌پردازد و به تدریج در بخش‌های بعدی به جزئیات پرداخته می‌شود. بخش‌های مختلف مصاحبه عبارتند از: فصل‌های زندگی، اتفاقات مهم، مهمترین چالش زندگی، عوامل مؤثر بر داستان زندگی (مثبت و منفی)، داستان‌های مهم، آینده پیشنهادی فرد برای داستان زندگی، طرز فکر شخصی، موضوع زندگی و موارد باقیمانده.

## یافته‌ها

قسمت اول جمع آوری داده‌های پژوهش حاضر به مصاحبه با شرکت کنندگان اختصاص داشت. در مجموع با ۳۰ نوجوان پسر در دامنه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال مصاحبه شد که از این تعداد نهایتاً داده های ۱۹ نفر از آنان مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت. چراکه پاسخ‌های ۷ نفر از شرکت کنندگان به شدت کوتاه و ناقص بود و روایت مشخصی در بر نداشت. نتایج مصاحبه با ۴ نفر از آن‌ها یعنی نفرات ۹، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ نیز تکراری بود و داده‌های جدیدی به دست نداد. بنابراین، پس از مشاهده ۳ مورد داده تکراری مصاحبه متوقف شد و به عبارت دیگر، نمونه به اشباع نظری رسید. نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه با ۱۹ شرکت کننده باقیمانده به استخراج مجموعه ای از مضامین نسبتاً شایع منتهی گردید. حد نصاب لازم برای تعیین شایع بودن یک مضمون نیز تکرار آن مضمون در متن مصاحبه حداقل یک سوم از شرکت کنندگان (بیش از ۶ نفر) بود.

نتایج حاصل از استخراج مضامین غالب گزارش‌های نوجوانان نشان داد که الگوی روانی اجتماعی هویت آن‌ها غالباً مبتنی بر مضامینی چون پیگیری و ابراز علایق یا گرایش‌های شخصی (سبک زندگی اختیاری)، تعلق به خانواده، بی‌اعتمادی، پایبندی به ارزش‌های دینی، احترام به اولیای الهی، استقلال خواهی، رقابت جویی، لذت جویی، حس منحصر به فرد بودن، تمکین از والدین و اطاعت از آن‌ها است. با این حال، پس از مشورت با متخصصان ذیربط (سه روانشناس و سه جامعه شناس) و نظرخواهی از آنان مضامین مستخرج به چند مؤلفه اساسی تقلیل داده و در قالب دو مدل کلان روایت و ضد روایت خلاصه شد. مدل مفهومی کلان روایت در شکل ۱ و مدل مفهومی ضد روایت در شکل ۲ نمایش داده شده است.





شکل ۱. مدل مفروض کلان روایت نوجوانان پسر ایرانی

همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، مدل مفروض کلان روایت نوجوانان پسر ایرانی از سه مؤلفه اصلی تحت عنوان تعلق به خانواده<sup>۱</sup>، پابندی به ارزش‌های دینی<sup>۲</sup> و اطاعت از والدین<sup>۳</sup> تشکیل شده است.



شکل ۲. مدل مفروض ضد روایت نوجوانان پسر ایرانی

1. family belonging
2. adherence to religious values
3. obedience to parents

همانطور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، مدل مفروض ضد روایت نوجوانان پسر ایرانی از چهار مؤلفه اصلی تحت عناوین حس منحصر به فرد بودن<sup>۱</sup>، سبک زندگی اختیاری<sup>۲</sup>، استقلال خواهی<sup>۳</sup> و رقابت جویی<sup>۴</sup> تشکیل شده است.

پس از تعیین اعتبار درونی الگوها از طریق نظرخواهی از متخصصان و مطالعه منابع مربوطه، در مرحله بعد بر اساس مؤلفه‌های مستخرج و تعاریف نظری آن‌ها پرسشنامه ای طراحی گردید. این پرسشنامه در وهله نخست حاوی ۱۰۹ گویه بود، اما پس از ارسال به متخصصان زیربط (۵ روانشناس) و دریافت نظرات آن‌ها جهت تعیین روایی محتوا، تعداد آن به ۵۶ گویه کاسته شد. در وهله بعد پرسشنامه از طریق شبکه‌های اجتماعی توزیع شد و پس از گذشت حدود یک ماه ۲۱۸ نفر از افراد واجد شرایط آن را تکمیل نمودند که با توجه به حدنصاب نمونه برای تحلیل داده‌ها در نرم افزار لیزرل، موجه به نظر می‌رسید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، از مجموع ۵۶ گویه باقیمانده نیز ۱۸ گویه از طریق بررسی ضرایب آلفای کرونباخ و بارهای عاملی آن‌ها حذف گردید. به گونه دقیق‌تر، گویه‌هایی که حذفشان باعث افزایش آلفای سازه مربوط به آن‌ها می‌شد بعلاوه گویه‌هایی که بار عاملی آن‌ها زیر ۰/۳۰ بود، از تحلیل نهایی کنار گذاشته شدند. لازم به ذکر است که به منظور رعایت اصل صرفه جویی در ارائه نتایج و نظر به اینکه نمایش اشکال و جداول مربوط به ضرایب آلفای کرونباخ و بارهای عاملی گویه‌های حذف شده از حوصله پژوهش حاضر خارج بود، از نمایش نتایج مذکور صرف نظر گردید. در بخش بعدی یعنی بخش کمی پژوهش یافته‌های حاصل از اجرای پرسشنامه در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه خواهد شد. در بخش نخست، یافته‌های مربوط به میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی متغیرهای آشکار پژوهش یعنی گویه‌های پرسشنامه نمایش داده شده است. این یافته‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده اند. لازم به یادآوری است که از آنجایی که تعداد افراد نمونه برای تمامی گویه‌ها ۲۱۸ نفر بود، ستون مربوط به حجم نمونه از جدول مزبور حذف گردید. ضمناً نمره‌گذاری گویه‌های پرسشنامه به وسیله مقیاس لیکرت ۵ درجه ای انجام شده که در آن درجات بالاتر به معنای نمرات بالاتر در گویه‌ها یا متغیرها است.

- 
1. sense of uniqueness
  2. voluntary lifestyle
  3. independence-seeking
  4. competitiveness

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی گویه‌ها

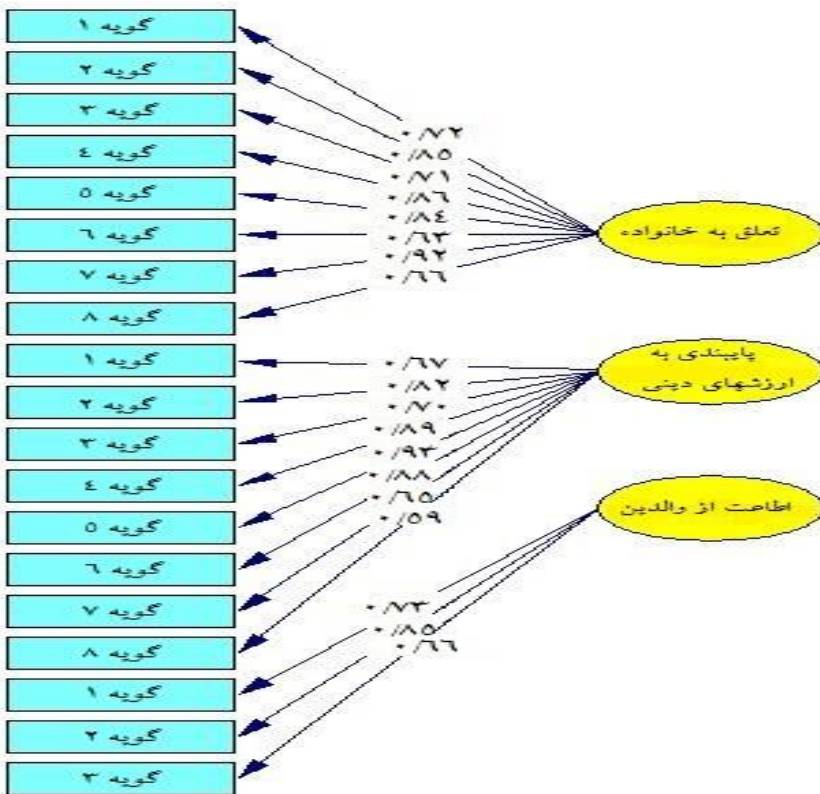
متغیر	گویه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
تعلق به خانواده	۱. خودم را جزء مهمی از خانواده ام می دانم	۳/۹۱	۱/۰۷	-۰/۶۳	-۰/۳۵
	۲. احساس میکنم در خانواده ام درک می شوم	۳/۴۹	۱/۲۶	-۰/۳۸	-۰/۸۳
	۳. با خانواده ام احساس یکی بودن میکنم	۳/۸۵	۱/۱۳	-۰/۶۲	-۰/۶۰
	۴. احساس میکنم مورد حمایت و پشتیبانی خانواده ام قرار دارم	۴/۱۰	۱/۱۲	-۱/۰۹	۰/۱۶
	۵. احساس میکنم مورد پذیرش خانواده ام هستم	۳/۹۵	۱/۱۳	-۰/۹۵	۰/۱۷
	۶. از بودن کنار خانواده ام لذت می برم	۴/۰۶	۱/۰۰	-۰/۹۶	۰/۳۷
	۷. احساس میکنم مورد توجه خانواده ام هستم	۳/۹۰	۱/۱۶	-۰/۷۹	-۰/۲۱
پایبندی به ارزش‌های دینی	۸. به خانواده ام دلبستگی و تعلق خاطر دارم	۴/۱۸	۰/۹۰	-۰/۷۵	-۰/۵۰
	۱. خودم را یک آدم مذهبی و متدین میدانم	۲/۸۴	۱/۳۹	-۰/۰۱	-۱/۲۵
	۲. به اصول دین اسلام اعتقاد دارم	۳/۴۹	۱/۴۵	-۰/۴۹	-۱/۱۴
	۳. به وجود خداوند اعتقاد دارم	۴/۶۰	۰/۹۸	-۲/۶۴	۶/۰۶
اطاعت از والدین	۴. به روز قیامت اعتقاد دارم	۴/۱۷	۱/۳۸	-۱/۴۱	۰/۴۴
	۵. به بهشت و جهنم اعتقاد دارم	۴/۱۵	۱/۴۰	-۱/۴۰	۰/۴۳
	۶. به امامان و پیامبران اعتقاد دارم	۴/۱۸	۱/۲۷	-۱/۴۴	۰/۸۹
	۷. نماز می خوانم	۳/۰۸	۱/۵۵	-۰/۰۸	-۱/۵۰
	۸. در ماه رمضان روزه می گیرم	۳/۰۹	۱/۵۸	-۰/۰۴	-۱/۵۱
	۱. در مقابل دستورات والدینم سرپیچی نمی کنم	۳/۸۴	۱/۰۷	-۰/۶۸	-۰/۰۶
	۲. هر کاری والدینم از من بخواهند، انجام خواهم داد	۳/۸۰	۱/۱۱	-۰/۶۳	-۰/۳۸
حس منحصر به فرد بودن	۳. به قوانین تعیین شده توسط والدینم تن می دهم	۳/۶۵	۱/۰۸	-۰/۵۹	-۰/۳۴
	۱. خودم را متفاوت از دیگران میبینم بی آنکه احساس تنهایی، بیگانگی و درک نشدن بکنم	۳/۳۸	۱/۳۳	-۰/۱۹	-۱/۰۸
	۲. ویژگی هایی دارم که خاص خودم است و این باعث می شود احساس ارزشمند بودن بکنم	۴/۰۴	۱/۰۹	-۰/۹۵	۰/۰۸
	۳. وقتی مردم بیشتر با من آشنا می شوند، ویژگی های خاص من را تشخیص می دهند	۳/۸۹	۱/۰۰	-۰/۶۷	۰/۱۱
	۴. احساس می کنم برخی از خصوصیاتم کاملاً	۴/۰۶	۱/۱۰	-۱/۳۱	۱/۴۱

متغیر	گویه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
سبک زندگی اختیاری	مختص خودم است				
	۱. در انتخاب ها و تصمیم گیری های زندگی در درجه اول به علایق و نیازهای شخصی خود توجه میکنم	۳/۹۳	۱/۰۴	-۰/۸۹	۰/۲۵
	۲. نباید علایق خود را قربانی نظرات و خواسته های دیگران کرد	۴/۳۶	۰/۹۶	-۱/۸۹	۳/۶۱
	۳. به طور جدی اهداف و رویاهای خود را دنبال میکنم حتی اگر دیگران آنها را مسخره بدانند	۴/۲۷	۱/۰۰	-۱/۳۸	۱/۴۶
استقلال خواهی	۴. علایق و اهداف شخصی خود را به راحتی بیان میکنم	۳/۷۶	۱/۲۲	-۰/۷۰	-۰/۵۶
	۱. دلم نمی خواهد والدینم به جای من تصمیم گیری کنند	۳/۸۹	۱/۲۵	-۰/۸۵	-۰/۳۳
	۲. میخواهم در انجام امور روزمره ام فقط به خودم متکی باشم	۳/۸۲	۱/۰۲	-۰/۵۳	-۰/۴۰
	۳. نمیخواهم از لحاظ مالی به خانواده ام متکی باشم	۳/۸۴	۱/۲۰	-۰/۷۶	-۰/۳۶
رقابت جویی	۴. نمیخواهم برای رفع نیازهایم به خانواده ام وابسته باشم	۳/۶۴	۱/۲۱	-۰/۶۰	-۰/۴۸
	۱. رقابت با دیگران را خیلی دوست دارم	۴/۱۸	۱/۰۱	-۱/۰۸	۰/۴۷
	۲. نمیتوانم غلبه یا برتری دیگران را بر خود تحمل کنم	۳/۵۰	۱/۳۰	-۰/۳۹	-۱/۰۰
	۳. برای پیروز شدن بر دیگران خیلی انگیزه میگیرم	۴/۱۵	۰/۹۷	-۱/۰۴	۰/۳۹
	۴. غلبه کردن بر دیگران موجب احساس بسیار خوشایندی در من می شود	۳/۷۳	۱/۲۲	-۰/۶۰	-۰/۶۹
	۵. در موقعیت های رقابتی بهتر از موقعیت های انفرادی عمل می کنم	۳/۵۴	۱/۱۸	-۰/۴۴	-۰/۵۰
	۶. زمانی که در یک جمع یا گروه قرار میگیرم دلم میخواهد بهترین باشم	۴/۰۳	۱/۱۷	-۰/۹۶	-۰/۱۵
۷. تلاش زیادی میکنم تا کارهایم را بهتر از دیگران انجام دهم	۴/۲۶	۰/۸۷	-۰/۸۶	-۰/۳۱	

همان گونه که نتایج موجود در جدول ۱ نشان می دهد، میانگین تمامی متغیرهای پژوهش نسبتاً بالا است. ضمن آنکه بیشترین میانگین (۴/۶۰) مربوط به گویه «به وجود خداوند اعتقاد دارم» و کمترین میانگین (۲/۸۴) مربوط به گویه «خودم را یک آدم مذهبی و متدین می دانم» می باشد. علاوه بر این، نتایج مربوط به کجی و کشیدگی حاکی از نرمال بودن توزیع داده های

تمامی متغیرها به استثنای گویه ۳ متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی است. با توجه به حجم مناسب نمونه (بالای ۲۰۰ نفر) و نظر به اینکه انحراف متغیر مذکور از حالت پهنجار چندان شدید نیست، می‌توان با اندکی تساهل مفروضه پهنجار بودن توزیع داده‌ها را پذیرفت.

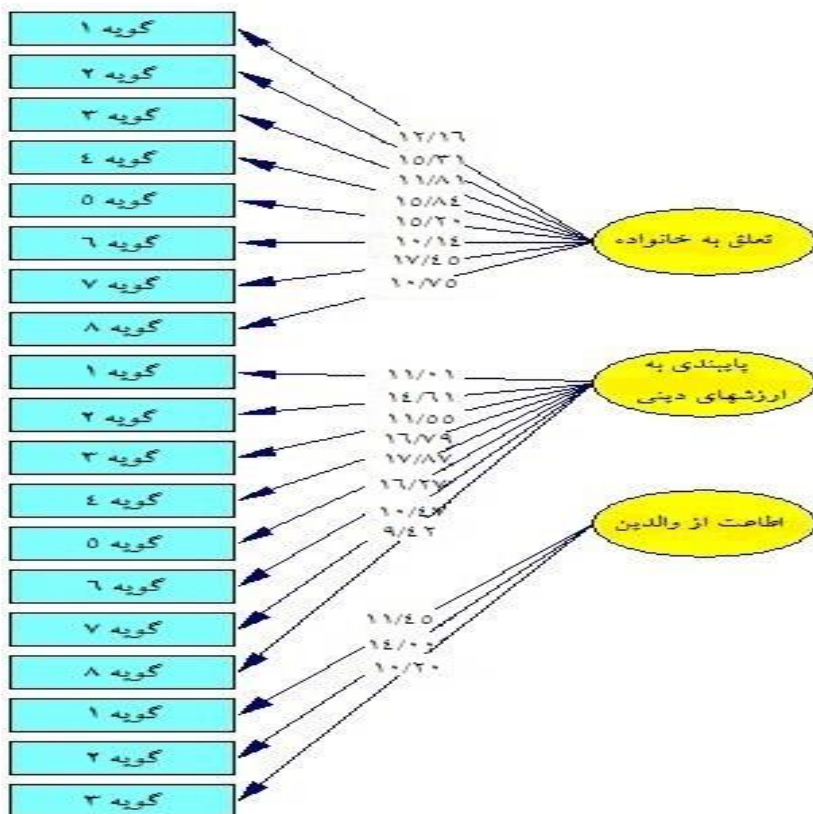
در این قسمت مدل‌های مفهومی پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد. در مدل کلان روایت، سه متغیر تعلق به خانواده، پایبندی به ارزش‌های دینی و اطاعت از والدین و در مدل ضد روایت نیز چهار متغیر حس منحصر به فرد بودن، سبک زندگی اختیاری، استقلال خواهی و رقابت جویی به عنوان مؤلفه‌های اصلی در نظر گرفته شده‌اند. برای آزمون مدل‌های پیشنهادی از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون مدل کلان روایت در حالت ضرایب استاندارد در شکل ۳ نمایش داده شده است.



شکل ۳. تحلیل عاملی تأییدی مدل کلان روایت در حالت تخمین ضرایب استاندارد

با توجه به نتایج موجود در شکل ۳، همه متغیرهای آشکار (گویه‌ها) همبستگی نسبتاً بالایی را با سازه مربوط به خود نشان می‌دهند. در سازه تعلق به خانواده، متغیر «احساس می‌کنم مورد توجه

خانواده ام هستم» دارای بیشترین بار عاملی با  $0/92$  است که نشان می‌دهد حدود ۸۵ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تبیین می‌شود. متغیر «از بودن کنار خانواده ام لذت می‌برم» نیز دارای کمترین بار عاملی با  $0/63$  است. در سازه پایبندی به ارزش‌های دینی، متغیر «به بهشت و جهنم اعتقاد دارم» دارای بیشترین بار عاملی با  $0/93$  است که نشان می‌دهد حدود ۸۶ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تبیین می‌شود. متغیر «در ماه رمضان روزه می‌گیرم» نیز دارای کمترین بار عاملی با  $0/59$  است. در سازه اطاعت از والدین، متغیر «هر کاری والدینم از من بخواهند، انجام خواهم داد» دارای بیشترین بار عاملی با  $0/85$  است که نشان می‌دهد حدود ۷۲ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تبیین می‌شود. متغیر «به قوانین تعیین شده توسط والدینم تن می‌دهم» نیز دارای کمترین بار عاملی با  $0/66$  است. در مرحله بعد به منظور بررسی معناداری ضرایب استاندارد موجود در مدل، ضرایب مزبور تبدیل به مقادیر  $t$  شدند که نتایج حاصل از آن در شکل ۴ نمایش داده شده است.



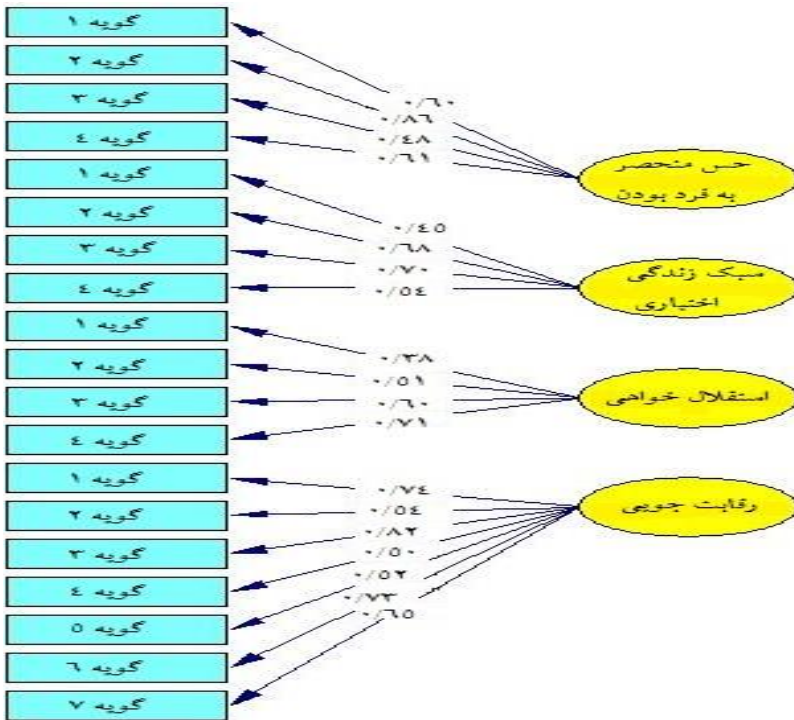
شکل ۴. تحلیل عاملی تأییدی مدل کلان روایت در حالت معناداری

با توجه به نتایج موجود در شکل ۴، بارهای عاملی تمامی متغیرهای آشکار موجود در مدل در سطح ۰/۰۵ معنادار است و همانگونه که در شکل نیز مشاهده می‌شود، مقدار ۴ همه بارهای عاملی بزرگتر از ۱/۹۶ است. در مرحله بعد برای آنکه مشخص شود مقادیر به دست آمده تا چه حد با واقعیت‌های موجود در مدل همخوانی دارند، شاخص‌های برازش مدل مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل کلان روایت

شاخص	برآوردهای مدل	حد مجاز	نتیجه
<i>RMSEA</i>	۰/۰۵	کمتر از ۰/۰۸	خوب
<i>CFI</i>	۰/۹۲	بالاتر از ۰/۹	خوب
<i>NFI</i>	۰/۹۰	بالاتر از ۰/۹	خوب
<i>IFI</i>	۰/۹۲	بالاتر از ۰/۹	خوب

همان‌طور که شاخص‌های موجود در جدول ۲ نشان می‌دهد، داده‌های تجربی پژوهش حاضر برازش مناسبی با مدل مفروض پژوهش در خصوص کلان روایت هویت نوجوانان پسر دارد. در ادامه، نتایج حاصل از آزمون مدل ضد روایت در حالت ضرایب استاندارد ارائه شده است. این نتایج در شکل ۵ قابل مشاهده است.

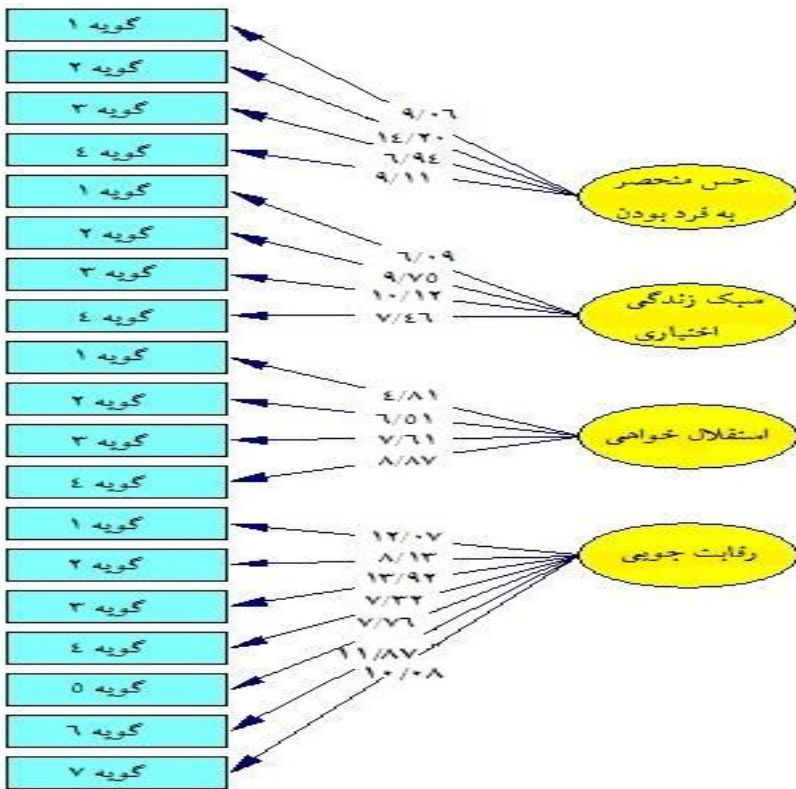


شکل ۵. تحلیل عاملی تأییدی مدل ضد روایت در حالت تخمین ضرایب استاندارد

با توجه به نتایج موجود در شکل ۵، همه متغیرهای آشکار (گویه‌ها) همبستگی متوسط تا نسبتاً بالایی را با سازه مربوط به خود نشان می‌دهند. در سازه حس منحصر به فرد بودن، متغیر «ویژگی‌هایی دارم که خاص خودم است و این باعث می‌شود احساس ارزشمند بودن بکنم» دارای بیشترین بار عاملی با  $0/۸۶$  است که نشان می‌دهد حدود ۷۴ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تبیین می‌شود. متغیر «وقتی مردم بیشتر با من آشنا می‌شوند، ویژگی‌های خاص من را تشخیص می‌دهند» نیز دارای کمترین بار عاملی با  $0/۴۸$  است. در سازه سبک زندگی اختیاری، متغیر «به طور جدی اهداف و رویاهای خود را دنبال می‌کنم حتی اگر دیگران آن‌ها را مسخره بدانند» دارای بیشترین بار عاملی با  $0/۷۰$  است که نشان می‌دهد ۴۹ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تبیین می‌شود. متغیر «در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های زندگی در درجه اول به علایق و نیازهای شخصی خود توجه می‌کنم» نیز دارای کمترین بار عاملی با  $0/۴۵$  است. در سازه استقلال خواهی، متغیر «نمی‌خواهم برای رفع نیازهایم به خانواده ام وابسته باشم» دارای بیشترین بار عاملی با  $0/۷۱$  است که نشان می‌دهد حدود ۵۰ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تبیین می‌شود. متغیر «دل‌م نمی‌خواهد والدینم به جای من تصمیم‌گیری کنند» نیز



دارای کمترین بار عاملی با  $0/38$  است. در سازه رقابت جویی، متغیر «برای پیروز شدن بر دیگران خیلی انگیزه می‌گیرم» دارای بیشترین بار عاملی با  $0/82$  است که نشان می‌دهد حدود ۶۷ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تبیین می‌شود. متغیر «غلبه کردن بر دیگران موجب احساس بسیار خوشایندی در من می‌شود» نیز دارای کمترین بار عاملی با  $0/50$  است. در مرحله بعد به منظور بررسی معناداری ضرایب استاندارد موجود در مدل، ضرایب مزبور تبدیل به مقادیر  $t$  شدند که نتایج حاصل از آن در شکل ۶ نمایش داده شده است.



شکل ۶. تحلیل عاملی تأییدی مدل ضد روایت در حالت معناداری

با توجه به نتایج موجود در شکل ۶، بارهای عاملی تمامی متغیرهای آشکار موجود در مدل در سطح  $0/05$  معنادار است و همانگونه که در شکل نیز مشاهده می‌شود، مقدار  $t$  همه بارهای عاملی بزرگتر از  $1/96$  است. در ادامه، شاخص‌های برازش مدل مفروض ضد روایت در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل ضد روایت

شاخص	برآوردهای مدل	حد مجاز	نتیجه
$(\chi^2/df)$	$40.2/60 = 1.46 = 2/76$	کمتر از ۳	تأیید
CFI	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹	خوب
NFI	۰/۹۰	بالاتر از ۰/۹	خوب
IFI	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹	خوب

همان‌طور که شاخص‌های موجود در جدول ۳ نشان می‌دهد، داده‌های تجربی پژوهش حاضر برازش مناسبی با مدل مفروض پژوهش در خصوص ضد روایت هویت نوجوانان پسر دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اعتباریابی الگوی روانی اجتماعی هویت نوجوانان ایرانی و تعیین رابطه احتمالی آن با تغییرات رفتاری آنان بر اساس رویکرد روایت پژوهی انجام شد. سؤال اساسی پژوهش این بود که الگوی کلان روایت و ضدروایت هویت نوجوانان ایرانی چگونه است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که الگوی روانی اجتماعی هویت نوجوانان پسر ایرانی به طور عمده از دو مدل کلان روایت و ضدروایت تشکیل می‌شود که این مدل‌ها در پاره‌ای از موارد در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. با توجه ماهیت اکتشافی پژوهش حاضر و عدم وجود پژوهش‌های مشابه در داخل کشور امکان مقایسه دقیق و بررسی همسویی نتایج وجود ندارد. علاوه بر این، از آنجایی که پژوهش حاضر به شدت ماهیت بومی دارد، امکان مقایسه نتایج با پژوهش‌های خارجی مشابه نیز امکان‌پذیر نیست. با این وجود، می‌توان یافته‌های پژوهش حاضر را به طور کلی در راستای برخی پژوهش‌های داخلی از جمله کلانی و سفیری (۱۳۹۶) و کریمی‌ان (۱۳۸۷) دانست. نتایج تحقیقات پژوهشگران مذکور نیز عموماً حاکی از وجود تناقض و ناهمسانی در ساختار هویتی نوجوانان ایرانی و تقابل بافت سنتی و مدرن در فرایند هویت‌یابی آنان است.

نگاهی به مدل کلان روایت نوجوانان نشان می‌دهد که با وجود حرکت جامعه به سوی مدرنیته و ارزش‌های فردگرایانه، هنوز هم ارزش‌های سنتی و جمع‌گرایانه‌ای چون تعلق به خانواده، اطاعت از والدین و پایبندی به ارزش‌های دینی عناصر اصلی کلان روایت آنان را تشکیل می‌دهد. در این رابطه می‌توان ادعا کرد که در شرایط کنونی دنیای امروز که ویژگی شاخص آن بی‌ثباتی هویتی افراد و تغییر مستمر معانی زندگی است، بازگشت به سنت‌ها و ارزش‌های دیرینه چندان دور از انتظار نیست. نکته دیگری که در کلان روایت نوجوانان دیده می‌شود، نفوذ بسیار بالای اطاعت از والدین نسبت به سایر مؤلفه‌ها است. در مدل ضد روایت نیز حس منحصر به فرد بودن نفوذ بالاتری نسبت به سایر ارزش‌ها نشان می‌دهد و به عبارتی، دغدغه بیشتری در ذهن نوجوانان ایجاد کرده است که این نکته جای بحث فراوان دارد. از نقطه نظر محقق دلایل

خانوادگی و فرهنگی اجتماعی در این قضیه حائز اهمیت فراوانند. مثلاً در بحث دلایل خانوادگی می‌توان به مواردی چون تغییر سبک‌های فرزندپروری، کم شدن تعداد فرزندان، کاهش میزان مرگ و میر فرزندان و عدم وابستگی ارزش فرزندان به قابلیت کار کردن آن‌ها اشاره کرد. مسلماً والدین امروزی وقت، توجه و انرژی بیشتری را صرف فرزندان خود می‌کنند و ارتباط عاطفی نزدیک‌تری با آن‌ها دارند. بدیهی است که توجه، مراقبت و محبت به فرزندان به آن‌ها حس مهم بودن، متفاوت بودن و خاص بودن را القا می‌کند.

حس منحصر به فرد بودن در ساختار ضد روایت نوجوانان آن‌چنان نیرومند بوده که می‌توان ادعا کرد که سایر مؤلفه‌های ضد روایت به درجاتی از آن تأثیر پذیرفته‌اند. چراکه در تمامی آن‌ها نوعی تلاش در جهت خاص بودن و متفاوت بودن از دیگران نهفته است. در رقابت جویی، فرد درصدد آن است که به واسطه برتری یافتن بر دیگران، متفاوت بودن و ممتاز بودن خود را به آن‌ها نشان دهد و در سبک زندگی اختیاری با برگزیدن علائق، سرگرمی‌ها، افکار و اهداف خاص خود درصدد متمایز نمودن خود از سایرین است. تمایل نوجوان به مستقل شدن از دیگران را نیز می‌توان از برخی جهات تلاشی در راستای متفاوت شدن از دیگران قلمداد کرد. زیرا تا زمانی که فرد از زیر سایه، سلطه و کنترل دیگران خارج نشود، عملاً فردیت نخواهد یافت. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که استقلال خواهی علیرغم آنکه گرایشی طبیعی در دوره نوجوانی است، اما در ضد روایت زندگی نوجوانان به قعر مدل رانده شده است. در تبیین این مسئله و البته در چارچوب نتایج به دست آمده می‌توان ادعا کرد که مؤلفه اطاعت از والدین و تعلق به خانواده در مدل کلان روایت آن‌چنان نیرومند بوده‌اند که نَفَس استقلال خواهی را در نوجوانان گرفته‌اند. در بحث استقلال تأکید بر قطع وابستگی به دیگران و رها شدن از زیر سلطه، کنترل و نفوذ آن‌ها بعلاوه توان اخذ تصمیمات مستقل و اداره مستقلانه زندگی خویش است. حال آنکه در نوجوانان ایرانی تعلق و وابستگی به خانواده و اطاعت از والدین آنقدر عمیق بوده که رمق‌چندانی برای این گرایش باقی نگذاشته است. در واقع اگر زمانی مستقل شدن به معنای هویت یافتن بود، اکنون به نظر می‌رسد وابستگی و تعلق به خانواده و ماندن زیر چتر آن است که به فرد هویت می‌بخشد. طوری که گویی نوجوان خارج از خانواده بی‌هویت خواهد شد. ضمن آنکه تلاش والدین جهت نزدیک نگه داشتن فرزندان نزد خود، ممانعت از ورود آن‌ها به دنیای اجتماعی و محدود کردن تجارب خارج از خانه آن‌ها نوعی ترس نسبت به دنیای خارج و هراس از مستقل شدن از خانواده را به آن‌ها القا می‌کند. مؤلفه دیگری که از نفوذ نسبتاً بالایی در ساختار ضد روایت نوجوانان برخوردار است، سبک زندگی اختیاری است که محصول مستقیم جامعه مدرن است و جوهره آن را مفهوم "انتخاب" تشکیل می‌دهد. یکی از پیش فرض‌های اساسی دنیای مدرن، نسبی بودن واقعیت است و اینکه واقعیت یک امر متکثر، ذهنی و وابسته به زمینه است. بر این اساس، بر انتخاب واقعیت توسط خود فرد تأکید می‌شود. در واقع، در دنیای مدرن نه سنت‌ها بلکه ذهنیت‌ها هستند که واقعیت‌ها را می‌-

سازند. لذا طبیعی است که ارزش‌های سنتی و مذهبی به واسطه این نوع نگاه تضعیف یا تعدیل شوند. نوجوانان حاضر در این پژوهش با روایت‌های خود نشان دادند که در عین اهمیت خانواده و مذهب در نظر آن‌ها، تمایل بالایی به سبک زندگی اختیاری نشان می‌دهند. به عبارتی، در صد آنند که اهداف، ارزش‌ها، باورها و رفتارهایشان را شخصاً انتخاب نمایند. گرایشی که همچون استقلال خواهی می‌تواند در پاره ای موارد در مقابل ارزش‌هایی چون اطاعت از والدین قرار بگیرد و نوعی تعارض هویتی را برای نوجوانان ایجاد کند. همچنین ممکن است در برخی موارد، با ارزش‌های دینی نیز در تعارض قرار بگیرد، چراکه دین یک چارچوب مشخص و از پیش تعیین شده جهت زندگی به فرد عرضه می‌دارد. بنابراین می‌توان همسو با نتایج پژوهش کلانی و سفیری (۱۳۹۶) و کریمیان (۱۳۸۷) نتیجه گرفت که نسل کنونی نوجوانان ایرانی از جهاتی تعارض‌های هویتی را هم تجربه می‌کنند. در این وضعیت فرد مؤلفه‌های هویتی گوناگونی دارد که در مورد اخذ بهترین تصمیم همسو نیستند. در وضعیت تعارض هویتی، جستجوی و اکتشاف کم‌رنگ شده و فرد دچار نوعی سردرگمی و بلاتصمیمی می‌شود. وضعیتی که می‌توان در حد چشمگیری در نسل کنونی نوجوانان ایرانی مشاهده نمود. در واقع، می‌توان ادعا کرد که تعارض‌های هویتی امکان اخذ تصمیمات مهم زندگی را تا حد زیادی از نوجوانان سلب نموده و خام بودن، ناشی‌گری، تردید و بلاتکلیفی را در آنان به بار آورده اند.

به عنوان یک جمع بندی بایستی اذعان داشت که طیف قابل توجهی از نوجوانان ایرانی کماکان ارزش‌های سنتی را شیوه ای مطمئن تر و ایمن تر جهت زندگی در دنیای بی ثبات و متغیر امروزی می‌دانند. با این حال، گرایش قابل توجهی به ارزش‌های مدرن نیز در روایت‌های آنان مشاهده می‌شود و این امر حاکی از حضور همزمان سنت و مدرنیته در ساختار ذهنی آنان و تعدیل ارزش‌های سنتی توسط ارزش‌های مدرن است. در نهایت، وضعیت نسل کنونی نوجوانان را می‌توان محصول نهایی دو عامل دانست: ۱- دوگانگی میان برخی مبانی ارزشی موجود در زندگی آن‌ها ۲- وضعیت نسبتاً افراطی برخی از ارزش‌های زندگی آن‌ها. به زبان پژوهش حاضر، تعارض میان برخی مؤلفه‌های کلان روایت و ضد روایت بعلاوه وضعیت نسبتاً افراطی برخی مؤلفه‌های آن‌ها دنیای نسل فعلی نوجوانان ایرانی را پدید آورده است.

محدودیت‌های پژوهش حاضر عبارت بودند از: حالت دفاعی برخی شرکت کنندگان در پاسخگویی به سؤالات مصاحبه به دلیل ماهیت خصوصی برخی از آن‌ها و ارائه پاسخ‌های بسیار کوتاه و مبهم به آن‌ها. تعداد نسبتاً زیاد سؤالات مصاحبه که به ویژه با توجه به باز پاسخ بودن می‌تواند موجب خستگی شرکت کنندگان شده و از دقت پاسخ‌های آن‌ها بکاهد. عدم امکان نمونه گیری تصادفی در مرحله کمی پژوهش به دلیل محدودیت‌های ناشی از همه گیری ویروس کرونا و نهایتاً محدود بودن منابع در دسترس جهت مقایسه نتایج، به دلیل نآورانه بودن پژوهش.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ و اکبری، حامد. (۱۳۹۱). فهم ماهیت جامعه ایرانی براساس الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱ (۲): ۱-۲۲.
- حیدری زاده، نسرين؛ فرج الهی، مهران؛ و اسماعیلی، زهره. (۱۳۹۶). ویژگی‌های اپیدمیولوژی و بالینی اختلال اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان شهر کرمانشاه: مطالعه مقطعی. *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۱۳ (۱): ۵۹-۵۲.
- صفی‌الحسینی، فاطمه سادات؛ ساکی، مریم؛ حامدی، اندیشه؛ سعادت، حسن؛ و لشکر دوست، حسین. (۱۳۹۶). شیوع افسردگی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر بجنورد در سال ۹۳. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۹ (۴): ۴۸-۴۲.
- عطادخت، اکبر؛ حمیدی فر، ویدا؛ و محمدی، عیسی. (۱۳۹۳). استفاده آسیب‌زا و نوع کاربری تلفن همراه در دانش‌آموزان دبیرستانی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و انگیزش پیشرفت. *روان‌شناسی مدرسه*، ۳ (۲): ۱۳۶-۱۲۲.
- کاظمی‌خوبان، زهرا؛ حکمی، محمد؛ و صیرفی، محمدرضا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری بر اساس جهت‌گیری هویت و عملکرد خانواده در نوجوانان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۶ (۲۱): ۹۰-۷۷.
- کریمیان، حسین. (۱۳۸۷). نگاهی به بزهکاری نوجوانان و جوانان. *ماهنامه معرفت*، ۱۷ (۳): ۱۵۶-۱۴۱.
- کلاتری، مهرداد؛ نشاط دوست؛ حمیدطاهر؛ عریضی، حمیدرضا؛ و بابیری، امیدعلی. (۱۳۹۸). مدل یابی معادلات ساختاری ارتباط دینداری و شیوه‌های فرزند پروری با معنا در زندگی مبتنی بر میانجی‌گری سبک‌های هویت در نوجوانان دختر. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۹ (۳۳): ۹۴-۷۷.
- کلانی، سمیه؛ و سفیری، خدیجه. (۱۳۹۶). تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور. *مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، ۱۸ (۱): ۱۹۷-۱۱۹.
- مرزبان، آمنه. (۱۳۹۷). شیوع رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان شهر قم در سال ۱۳۹۵. *مجله دانشگاه علوم پزشکی پارس (جهرم)*، ۱۶ (۳): ۵۱-۴۴.
- Andrews, M. (2014). *Counter-narratives and the power to oppose*. In M. Bamberg & M. Andrews (Eds.), *considering counter-narratives: Narrating, resisting, making sense* (pp. 1–6). Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Bamberg, M. (2020). *Considering counter-narratives*. In M. Bamberg & M. Andrews (Eds.), *considering counter-narratives: Narrating, resisting, making sense* (pp. 351–371). Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Bamberg, M., & Andrews, M. (Eds.). (2014). *considering counter-narratives. Narrating, resisting, making sense*. Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Brown, C., & Augusta-Scott, T. (2017). *Narrative therapy: Making meaning, making lives*. SAGE Publications, Inc.

- Denzin, N. (2015). *Emancipatory discourses and the ethics and politics of interpretation*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of Qualitative Research* (3rd ed., pp. 933-958). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Erikson, E. H. (1980). *Identity and the Life Cycle*. W.W. Norton & Company, New York.
- Habermas, T., & Bluck, S. (2000). *Getting a life: The emergence of the life story in adolescence*. *Psychological Bulletin*, 126(5), 748-769.
- Hammack, P. L., & Cohler, B. J. (2019). *Narrative identity and the politics of exclusion: Social change and the gay and lesbian life course*. *Sexuality Research & Social Policy: A Journal of the NSRC*, 8(3), 162-182.
- Lundholt, M. W., Maagaard, C. A., & Piekut, A. (2018). *Counter narratives*. In R. L. Heath, & W. Johansen (Eds.), *the International Encyclopedia of Strategic Communication*, Wiley Blackwell.
- Luyckx, K., Schwartz, S. J., Goossens, L., Beyers, W., & Missotten, L. (2019). *Processes of personal identity formation and evaluation*. In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (p. 77-98). Springer Science + Business Media.
- Lyle, M. (2016). *The Role of Counter Narratives in the Renegotiation of Identity: A Curricular Perspective*. *Journal of the Canadian Association for Curriculum Studies (JCACS)*, 14 (2).
- McAdams, D. P., & McLean, K. C. (2013). *Narrative identity*. *Current Directions in Psychological Science*, 22 (3), 233-238.
- McLean, K. C., & Pasupathi, M. (2019). *Narrative Identity*. In: Levesque R. J. R. (Eds.) *Encyclopedia of Adolescence*. New York, NY: Springer.
- McLean, K. C., Shucard, H., & Syed, M. (2016). *Applying the Master Narrative Framework to Gender identity development in emerging adulthood*. *Emerging Adulthood*, 1-13.
- McLean, K. C., & Syed, M. (2016). *Personal, master, and alternative narratives: An integrative framework for understanding identity development in context*. *Human Development*, 58(6), 318-349.
- Syed, M. (2015). *Theoretical and methodological contributions of narrative psychology to ethnic identity research*. In C.E. Santos; A. J. Umana-Taylor (Eds.), *Studying ethnic identity: Methodological and conceptual approaches across disciplines* (pp. 27-54). Washington, DC: APA press.
- Thorne, A. (2020). *Personal memory telling and personality development*. *Personality and Social Psychology Review: An Official Journal of the Society for Personality and Social Psychology*, 4(1), 45-56.
- Wang, Q. (2016). *Remembering the self in cultural contexts: A cultural dynamic theory of autobiographical memory*. *Memory Studies*, 9(3), 295-304.